

پول توجیبی

ابزاری برای رشد

و تربیت کودک

عزیزالله تاجیک اسماعیلی

واژه‌هایی از قبیل پول توجیبی، مقرری، مستمری و پول هفتگی در خانواده‌ها موضوعی آشناست. بچه‌ها از هنگامی که مفهوم و ارزش "پول" را درک می‌کنند، گاه و بیگاه آن را از والدین درخواست می‌نمایند. این درخواست برای خرید مایحتاج و چیزهای مورد علاقه شخصی است که در سنین خردسالی و کودکی اغلب به خوراکی‌ها یا اسباب‌بازی‌ها محدود می‌شود، لیکن در سالهای بعد، گرفتن مستمری روزانه، هفتگی یا ماهانه در میان بسیاری از کودکان و نوجوانان رواج دارد و حتی به یک ارتباط مبتنی بر داد و ستد بین والدین و فرزندان تبدیل می‌شود که گذشته از ایفای نقش در ارضای نیازهای فرزندان، تأثیری چند جانبه در رشد خصوصیات روانی و شخصیتی آنان دارد. در بررسی روابط والدین - فرزندان، نقش و تأثیرات پول توجیبی کمتر مورد توجه قرار گرفته، حال آنکه اگر قدری به آن دقت کنیم، به اهمیت موضوع پی خواهیم برد.

پول توجیبی و رشد روانی و شخصیتی کودک

اولین تأثیر پول توجیبی را باید نقش آشکار و پنهان آن در رشد روانی و شخصیتی کودکان به حساب آوریم. کودکان از هنگامی که "پول" را می‌شناسند، درمی‌یابند که این وسیله مبادله

می‌تواند در برآوردن بسیاری از نیازهای آنان کارساز باشد. آنان حتی قبل از آنکه خود در جست وجوی درک معنی و اهمیت پول باشند، در رفتارهای پدر و مادر نسبت به خود در - می‌یابند که پول ابزار تشویق کردن و پاداش دادن، یک شیوهٔ ابراز علاقه و محبت، یک وسیلهٔ ایمنی بخش و در مقابل، گاه نشانه‌ای دال بر محرومیت و عدم محبت والدین نسبت به فرزندان است. اطفال خردسال از حدود ۳ - ۲ سالگی به بعد با شناختن پول، ممکن است آن را از پدر و مادر طلب کنند، لیکن در این سنین از پول فقط به عنوان یک نشانهٔ ارزش و منبع قدرت و اختیار، آن هم به صورت نمادین استفاده می‌کنند. مثلاً طفلی بادیکن کیف پول مادر از او یک سکه یا اسکناس طلب می‌کند و وقتی آن را دریافت کرد - به گونه‌ای که بیشتر شبیه حالت بازی است - آن را برای خود نگاه می‌دارد. نشانه‌های میزان درک کودکان از معنا و مفهوم ابزاری پول را می‌توانیم در نوع مطالبهٔ آنان از اطرافیان دریابیم. مثلاً اگر کودک فقط مفهومی اجمالی از پول در ذهن داشته باشد ممکن است سکه‌های بزرگتر یا زیباتر و یا اسکناس‌های خوش‌رنگ‌تر را مطالبه نماید. این حالت را بیشتر در اطفال خردسال مشاهده می‌کنیم. درک کودک از مفهوم و ارزش پول در سالهای بعد گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود، به گونه‌ای که در آستانهٔ سنین دبستانی می‌توانیم انتظار داشته باشیم که کودکان ارزش ابزاری پول را بخوبی دریابند و لذا در هنگام نیاز به خوراکی، اسباب بازی یا چیزهای دیگر از والدین پول می‌خواهند و یا از آنان درخواست می‌کنند تا چیزهای مورد نیاز را برایشان تهیه کنند و البته آگاهی دارند که پدر و مادر به وسیلهٔ

پول قادر به تهیهٔ چیزهای مورد نیاز هستند. بررسی فرایند ارتباط متقابل بین والدین و فرزندان در مورد پول توجیبی می‌تواند آثار این وسیله را در رشد شخصیتی کودکان در ابعاد زیر نشان دهد:

الف - ایجاد احساس امنیت روانی

ب - احساس استقلال شخصیت

ج - احساس توانایی و قدرت

د - ارضای نیاز به پذیرندگی و محبت

شاید بتوان گفت که آثار مذکور همراه با تحول شخصیت کودک، به ترتیب بروز می‌کند. به این معنی که اولین نشانه‌های درک کودک از پول با احساس ایمنی روانی او ارتباط می‌یابد و سپس استفاده از آن برای کسب استقلال و متعاقباً به کارگیری پول برای کسب قدرت و توانایی رفتاری و نهایتاً جست وجوی محبت و پذیرندگی به وسیلهٔ پول در رفتارهای کودکان ظهور می‌یابد.

کودکان خردسال بیش از ارضای هر نیاز روانی دیگر در جست وجوی احساس ایمنی و اطمینان در محیط زندگی (خانواده) هستند. درک کودکان از چیزی به نام پول که وسیلهٔ مهم تهیهٔ مایحتاج خانواده است، این تصور را در آنان ایجاد می‌کند که اگر بتوانند مقداری از این وسیلهٔ "جادویی" و منشا توانایی و قدرت را به دست آورند، جای پایشان در زندگی محکم خواهد شد. لذا انگیزهٔ تقلید و نقش‌پذیری، اطفال خردسال را به این سمت سوق می‌دهد که آنها هم مثل "بابا" یا "مامان" مقداری پول داشته باشند. این احساس البته اجمالی، مبهم و موقت است و همان‌طور که گفته شد بیشتر اطفال از والدین پول را دریافت می‌کنند، مدت زمانی کوتاه آن را نگاه می‌دارند و وقتی سرگرمی

همچون مادر کیفی تهیه می‌کند و پولهایش را در آن قرار می‌دهد، نشانه‌هایی از این همانندسازی و تشخیص طلبی هستند.

احساس توانایی و قدرت به وسیله "پول" معمولاً مقارن سنین دبستان برای کودکان اهمیت می‌یابد. توانایی و اختیار عمل یک ویژگی همبسته با استقلال شخصیت است. تلاش کودکان برای افزایش میزان استقلال در رفتارهای خود که در دوره پیش‌دبستانی آغاز می‌شود، در سالهای دبستان با نیاز به توانایی و قدرت عمل آمیخته می‌شود. با آغاز دوره دبستان کودکان در مناسبات رفتاری با همسالان

جالب‌تری پیدا کردند آن را در گوشه‌ای رها می‌کنند و می‌روند.

"کسب استقلال" و "تشخص" انگیزه دیگری در دریافت پول به توسط کودکان است. معمولاً اولین هسته‌های شخصیت طلبی مقارن ۲-۳ سالگی و در پی تشکیل مفهوم "من" به عنوان یک هسته تصمیم‌گیری و مدیریت و استقلال از اطرافیان در کودکان کمال می‌یابد. از این پس آنان در اندیشه مبادرت به اعمال و رفتارهایی هستند که شخصیت، استقلال و توانایی‌هایشان را نشان می‌دهد. همراه با احساس ایمنی که کودکان از طرق مختلف



و همکلاسان، نسبت به شخصیت خود توجه و حساسیت بیشتری پیدا می‌کنند و لذا توانایی و قدرت عمل خود را نقطه اتکابی اطمینان‌بخش در این روابط می‌دانند. کودکان دبستانی در ارتباط با همکلاسیها سعی می‌کنند با اظهار توانایی‌های بدنی، موفقیت‌های درسی و یا با وسایل و امکاناتی که دارند، به نحوی مقبولیت گروهی به دست آورند و بر احساس امنیت و مقبولیت خویش در بین دوستان همکلاسی

رفتاری در خانواده جست و جو می‌کنند، نگران استقلال عمل خود هم هستند. نشانه‌های رفتاری اطرافیان هرکدام به نحوی می‌تواند برای آنان مورد تقلید و استفاده قرار گیرد تا آنان هم احساس شخصیت و استقلال (و گاه از طریق همانندسازی با بزرگترها) احساس بزرگی نمایند. پول گرفتن یکی از این نشانه‌هاست. رفتار کودکی که بعد از گرفتن پول از والدین آن را مثل پدر تا می‌کند و در جیب می‌گذارد و یا

کودکان تأثیرات متنوعی داشته باشد. این تأثیرات برحسب سن، جنس، روابط خانوادگی و وضعیت کودک در روابط اجتماعی، جلوه‌های مختلفی به خود می‌گیرد.

پول توجیبی به عنوان یک ابزار تربیتی

اگر دربارهٔ ضرورت پول دادن به کودکان از والدین سؤال کنیم، پاسخهای آنان متفاوت خواهد بود. بعضی والدین عقیده دارند تا آنجا که ممکن است نباید بچه‌ها را به پول گرفتن عادت دهیم. این گروه برای نظر خود دلایلی ذکر می‌کنند، از جمله اینکه می‌گویند: "بچه‌ها بدعادت می‌شوند"، "ولخرجی می‌کنند"، "بلد نیستند پول را به طور صحیح خرج کنند" و یا "ممکن است بعضی وقتها پول در خانه موجود نباشد و لذا نمی‌شود جلوی آنها را گرفت". درمقابل والدینی که به شکل مقرر پول در اختیار فرزندان قرار می‌دهند، مواردی از جمله استقلال دادن و احترام گذاشتن به آنان، آموزش اجتماعی شدن از طریق دادن فرصت خرید و داد و ستد را به عنوان آثار مثبت پول توجیبی ذکر می‌کنند.

با توجه به نکاتی که ذکر شد، دربارهٔ تأثیرات تربیتی پول توجیبی باید نکات زیر مورد توجه والدین قرار گیرد.

الف - در سنین قبل از دبستان معمولاً ضرورتی برای دادن پول به کودکان وجود ندارد. در مواردی که کودک از روی حس تقلید یا کنجکاوی درخواست پول می‌کند، والدین می‌توانند مقداری پول به طور موقت در اختیار او قرار دهند و منتظر باشند تا کودک بعد از ارضای روانی، پول را در گوشه‌ای رها کرده، یا

بفرایند. در این بین کودکانی که می‌توانند در محیط مدرسه یا بیرون از مدرسه سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها و هدایت گروه داشته باشند، احساس غرور، تشخیص، قدرت و رهبری می‌نمایند. پول توجیبی بچه‌ها در این سنین یکی از ابزارهای اطمینان بخش در این موقعیت‌هاست. مثلاً شاگردی که پول کافی دارد تا در زنگ تفریح خوراکی بخرد و آن را با دوستانش بخورد و یا با پولی که از والدین خود می‌گیرد می‌تواند مداد و قلم و پاک‌کن یا اسباب و وسایل بازی و سرگرمی تهیه کند، می‌تواند دوستدارانی در میان همکلاسیها به دست آورد و با دادن خوراکی یا وسایل خود به آنان ممکن است احساس کند فرد توانا و با کفایتی است.

یک کارکرد دیگر پول در بین کودکان استفاده از آن برای جلب رضایت و محبت هم‌سن و سالان است. بخصوص کودکانی که روحیهٔ مهرطلبی دارند یا به واسطهٔ عدم مهارت‌های اجتماعی کافی قادر به کسب موقعیت و اعتبار بالایی در روابط گروهی نیستند، ممکن است پول را برای تهیهٔ چیزهای مورد علاقه و جلب توجه همکلاسان به کار گیرند و از این راه محبت آنان را به دست آورند، یا به عبارت بهتر "بخزند". این قبیل کودکان معمولاً به وسیلهٔ پول خود تلاش می‌کنند روابط اجتماعی‌شان را به گونه‌ای تنظیم کنند که دچار محرومیت و انزوا نشوند. بررسی و تحلیل خصوصیات روانی و رفتاری کودکان در هریک از موارد مذکور جای بحث مفصل دارد که فعلاً از آن صرف نظر می‌کنیم.

به طور کلی والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که آنچه ما "پول توجیبی" می‌نامیم می‌تواند بر خصوصیات روانی و شخصیتی

برای انجام بهتر تکالیف درسی مدرسه تشویق
نماییم.

ب - ۲ - به کودکان توصیه کنیم با توجه به
پولی که در اختیار دارند برای تهیه وسایل
شخصی خود از قبیل لوازم تحریر، مواد
خوراکی یا چیزهای دیگر برنامه ریزی کنند. در
این مواقع والدین می توانند مراقبت کنند در
مواردی که کودک شیوه صحیح پول خرج کردن
یا اولویتهای مصرف پول را نمی داند، به تدریج
او را آموزش دهند تا خود تصمیم مناسب بگیرد
و حتی المقدور به طور مستقل رفتار کند. این
روش برای رشد احساس استقلال کودک مفید
و مؤثر است.

ب - ۳ - کودکان ترغیب شوند در روابط
دوستانه مدرسه، از پول خود برای تبادل
و همکاری اجتماعی با دیگر بچه ها استفاده
کنند. مثلاً وسایلی را که تهیه می کنند در اختیار
همکلاسیها بگذارند یا خوراکی خریداری شده
را با بچه های دیگر تقسیم کنند. در این دوره
حتی مناسب است کودکان را عادت دهیم در
مواقع نیاز به یکدیگر پول قرض بدهند یا قرض
بگیرند و با مراقبت و کمک به آنان در
بازگرداندن به موقع قرض، روحیه تعاون و
پابندی به قول در آنها شکل گیرد و تقویت
شود. از این طریق ضمن تقویت روحیه
همکاری، می توان وفای به عهد را نیز به کودکان
آموخت.

ج - آموزش محدودیت های زندگی به کودک
از طریق محدود کردن پول توجیبی یا ایجاد
شرایط در نحوه خرج کردن آن امکان پذیر
است. برخی از والدین هنگامی که در دادن پول
به فرزندان محدودیت یا مشکل دارند، چون
تصور می کنند شایسته و صحیح نیست که در

به آنان بازگرداند. گاهی اوقات پدر و مادر
می توانند در قالب ارتباط عاطفی متقابل با
فرزند از او درخواست کنند مثلاً پول خود را به
آنان قرض بدهد یا ببخشد و به این شکل ضمن
در نظر گرفتن احساسات کودک، از گم کردن یا
هدر دادن پول به توسط او جلوگیری کنند. در
این دوره سنی در صورتی که کودک خود تمایل
و حساسیتی نسبت به پول نشان ندهد، والدین
می توانند او را به پول گرفتن عادت ندهند و حتی
به عنوان یک پاداش یا تشویق، از پول استفاده
نمایند.

ب - در سنین دبستانی با توجه به وضعیت
رشد روانی و رفتاری کودک، روش تربیتی
والدین بایستی تا حدودی متفاوت باشد. به
طوری که ذکر شد کودکان ممکن است از پول
توجیبی به عنوان ابزاری برای آزمایش میزان
استقلال و آزادی عمل، قدرت تصمیم گیری و
ارزیابی میزان مقبولیت خود در روابط اجتماعی
استفاده کنند. این رفتارها از سالهای دبستانی
آغاز می شود و در طول دوران نوجوانی و
جوانی استمرار و تکامل می یابد. لذا والدین
بایستی ضمن توجه به این پیامدها در مورد
نحوه دادن پول توجیبی به کودکان تصمیم گیری
کنند. در این دوره سنی اتخاذ روشهای صحیح
به توسط والدین بیش از هر چیز یک روش مؤثر
و مفید در تربیت ویژگیهای شخصیتی و
اجتماعی کودکان است. توجه به این نکات در
رفتار با کودک دبستانی ضروری است.

ب - ۱ - از پول توجیبی به عنوان پاداش انجام
مسئولیت ها یا تکالیف های درسی کودکان
استفاده شود. از این طریق می توانیم کودکان را
به پذیرش مسئولیت که یک وظیفه مهم تربیتی
در سنین دبستانی است ترغیب کنیم و آنها را

پول توجیبی خود را پس انداز نماید تا در مواقعی که ممکن است پولی در خانه نباشد بتواند با آن پول نیازهای خود را تأمین کند. البته شرط موفقیت این شیوه آن است که والدین نسبت به فرزندان با احترام و اعتماد برخورد کنند و دیگر آنکه در صورت وعده دادن به آنها متعهد باشند به قول خود عمل نمایند.

د - آموزش روحیه پس انداز و تنظیم برنامه برای رسیدن به خواستهایی که در اولویت هستند از طریق اجرای یک روش متعادل در پول توجیبی دادن به کودکان امکان پذیر است. رشد این روحیه با رشد استقلال شخصیت کودک و توانایی مدیریت وی بر رفتار خود رابطه مستقیم دارد. والدین می توانند به موازات تقویت روحیه استقلال و تصمیم گیری در فرزندان، از پول به عنوان ابزاری که به آنان قدرت خرید میحتاج خود را می دهد استفاده کنند و در عین حال به آنان بیاموزند برای تهیه برخی از چیزها که مورد نیاز یا علاقه شان است با مستماری که در اختیار دارند برنامه ریزی کنند. این کار را می توان از وسایلی که نیاز به پول زیاد ندارند آغاز کرد تا کودک با پس انداز چند روزه و بدون نیاز به صبر زیاد به تهیه آنها مبادرت کند. سپس با افزایش مدت زمان پس انداز و تهیه چیزهای ارزشمندتر، این ارزش را بیشتر به کودک شناساند. گاهی هم والدین می توانند با قرض گرفتن از پس اندازهای کودکان و بازگرداندن به موقع قرض آنان، در قالب نوعی داد و ستد اجتماعی، هم احساس ارزش و استقلال شخصیتی فرزندان را تقویت کنند و هم آنان را در عمل با مسائل زندگی مشترک خانوادگی و اجتماعی آشنا سازند.

مقابل درخواست آنان پاسخ "ندارم" بدهند، به طور غیرمستقیم سعی در ارائه دلایلی مبنی بر عدم ضرورت پرداخت پول به آنها می کنند. عباراتی از قبیل "تو همین دیروز پول گرفتی"، "چقدر مداد می خری" یا "داری عادت به ولخرجی می کنی"، نمونه جوابهایی هستند که ممکن است زبان حال آنها مبنی بر "پول کافی ندارم" باشد که پدر یا مادر می خواهند به فرزند خود بگویند. سؤال این است که آیا طرح کمبودها یا محدودیتهای زندگی با کودکان اصولاً صحیح است یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال باید توجه داشته باشیم که نحوه برخورد والدین در مورد دادن پول توجیبی به فرزندان می تواند در شکل گیری تصور آنان نسبت به والدین مؤثر باشد. کودکان ممکن است پاسخ منفی پدر و مادر را نشانه عدم توجه و محبت آنان تلقی کنند. بخصوص اگر والدین برای خودداری از پول دادن به دلایلی متوسل شوند که کودک بتواند آنها را نفی کند، شاهد خواهیم بود که نوعی رفتار "چانه زدن" را آغاز می کند که در خیلی از مواقع هم یا موفق و پیروز می شود و یا به اصطلاح در نتیجه در رفتن پدر و مادر از کوره، تهدید یا تنبیه آنان، او را به عقب نشینی وامی دارد. لیکن اگر والدین در این مورد طوری برنامه ریزی و رفتار کنند که فرزندان رفتار آنان را صادقانه و محبت آمیز تلقی نمایند، و در عین حال با مشکلات و محدودیتهای اقتصادی خانواده هم آشنا شوند، می توانند ضمن ایجاد توانایی قبول بعضی محدودیتهای، در آنان احساس همدلی نسبت به مسائل و مشکلات خانوادگی را به وجود آورند. مثلاً به کودک بگویند لازم است برای خرید فلان وسیله چند روزی صبر کند یا سعی نماید